



PSYCHO- MONDAY

February 14 / 2022

**Trading psychology
refers to the emotions and
mental state that help
dictate success or failure
in trading securities.**

فهرست

- ۰۱ یادداشت هفته: همیشه در صف؛ توضیح رفتار گله‌ای در بازارهای مالی: امیرحسین مردانی 
- ۰۶ اخبار مهم 
- ۰۹ ترس و طمع وزنه‌هایی بسته به پای معامله‌گران: سعید محمدی جزی 
- ۱۲ تنها هدف بقاست: پوتیتو 
- ۱۵ چرخه‌ی تکرار: مهدی 
- ۱۹ هیولای چند وظیفه‌گی: مشکوک ابن شاکي 
- ۲۱ هفت گناه کبیره: امیرمحمد جعفرزاده 



یادداشت هفته: همیشه در صف؛ توضیح رفتار گله‌ای در بازارهای مالی





کم‌وبیش همه‌ی مردم به دلیل احساسی که از صف می‌گیرند، رستوران دیگری را انتخاب می‌کنند. در این مواقع، زمینه‌ی تصمیمات به جای عقلانی بودن، احساسی است.

این نوع تصمیمات در بازارهای مالی نیز وجود دارد و به صورت خاص، رفتارهای مشابه را «رفتار گله‌ای» می‌گویند. در واقع رفتار گله‌ای، به رفتارهایی می‌گوییم که بدون برنامه‌ریزی قبلی و در یک جهت خاص انجام می‌شود. مصداق این رفتارها را می‌توانید در صف‌های خرید و فروش بازار سهام و یا خریدهای پُر حجم یک کوین خاص در بازار ارزهای دیجیتال ببینیم.

به‌طور معمول، منشاء رفتار گله‌ای در دو چیز ریشه‌یابی می‌شود. اولی، عدم اطلاع افراد است؛ به صورت کلی، زمانی که افراد از

شاید بسیار برای شما پیش آمده باشد که در یک روز برفی زمستانی، صف‌های شلوغ نانواپی‌ها را ببینید.

صف‌هایی که گویی همان روز خشکسالی شده و مردم به دنبال جمع‌آوری و ذخیره آذوقه هستند؛ یا یک روز تعطیل را در نظر بگیرید که به همراه خانواده می‌خواهید برای صرف شام به یک رستوران بروید؛ دو رستوران کنار هم قرار دارند که یکی از آن‌ها به بسیار زیبا و به احتمال، خدمات با کیفیتی دارد و در مقابل رستوران دیگر، صف طولانی انتظار دیده می‌شود؛ به احتمال زیاد، شما رستورانی که صف طولانی دارد را انتخاب می‌کنید.

این نوع انتخاب‌ها و رفتارها، به‌طور کامل غیر عقلانی و از روی احساسات است. ممکن است رستورانی که صف ندارد، در حقیقت از نظر کیفیت بهتر باشد؛ اما

رفتار گله‌ای، در بازارهای مالی با دو ویژگی بیشتر دیده می‌شود:

- ۱- بازارهای کامیونیتی محور
- ۲- بازارهای با عدم تقارن اطلاعاتی

یکی از بازارهای به شدت وابسته به کامیونیتی، بازار کریپتوکارنسی‌ها است. این بازار، یک بازار نوظهور بوده و پیشینه آن حداکثر به چند سال می‌رسد. بنابراین، دانشی که در این حوزه شکل گرفته، دانش کم‌عمقی است. به همین دلیل، افراد بیشتر پیگیر کامیونیتی‌ها و افراد تأثیرگذار این حوزه هستند تا با تقلید از فعالیت‌های آنها، سود کسب کنند. حتی کریپتوکارنسی‌هایی در دنیا با همین ایده شکل گرفته‌اند.

بیشتر میم‌کوین‌هایی (کوین‌هایی که با یک شوخی شروع به کار کرده‌اند؛ مانند دوج یا شیبا) که در دنیا وجود دارند، با کمک گرفتن از مفهوم «کامیونیتی» و ایجاد احساس ترس از جاماندن سود (FOMO)، رفتار گله‌ای در افراد را تحریک می‌کنند و به وسیله آن به رشد قیمتی و سود می‌رسند.

یا یک مثال از بازار با عدم تقارن اطلاعاتی، بازار بورس ایران است. بازارهای با عدم تقارن اطلاعاتی، به این معنی است که سرمایه‌گذاران یک بخشی از اطلاعات تأثیرگذار در بازار را دارند و یک بخش (به طور معمول بخش اصلی) اطلاعات را به کلی ندارند. در بازار بورس ایران، به دلیل ماهیت متمرکز بودن بازار و همچنین وجود رانت اطلاعاتی، معمولاً سرمایه‌گذاران اطلاعات عمده بازار را در دسترس ندارند. بنابراین، یک سرمایه‌گذار حقوقی با اطلاعات خاصی که دارد، می‌تواند چند روز صف خرید ایجاد و یا در عرض یک روز دست به فروش عمده زده و صف فروش ایجاد کند. سرمایه‌گذاران نیز به علت اینکه اطلاعات دقیقی از اتفاق ندارند، بهترین گزینه را تقلید از گله می‌دانند!

یک موضوعی اطلاعات ندارند، سعی می‌کنند از اطلاعات دیگران استفاده کنند. این اتفاق، به‌طور ویژه در محیط‌هایی که از نظر اقتصادی، عدم اطمینان بالاتری دارند بیشتر دیده می‌شود.

مورد دوم، میل به هم‌رنگ جماعت بودن در افراد است. روانشناسان معتقدند انسان‌ها در شرایط بحران، بیشتر میل به حفظ آبرو دارند. به این معنی که اگر یک اقدامی قرار است منجر به شکست عموم مردم شود، به جای ریسک کردن، ترجیح می‌دهند با همه شکست بخورند.

دانیل کانمن، اقتصاددان برنده جایزه نوبل، طرز فکر انسان‌ها را به دو سیستم تقسیم کرد: سیستم اول (سریع، شهودی و احساسی) و سیستم دوم (آهسته‌تر، مشورتی‌تر و منطقی‌تر). کانمن اعتماد دارد که چون بسیاری از انسان‌ها خود را درگیر مشغله‌های زیادی کرده‌اند و به طور معمول تنبل هستند، بیشتر اوقات از سیستم اول استفاده می‌کنند. در برخی مواقع، استفاده از سیستم اول و تقلید از دیگران امری مطلوب است؛ به‌عنوان مثال، برای انتخاب یک رستوران یا یک فیلم، تقلید یا استفاده از تجربه دیگران کاری شایسته است؛ اما، در مسائل مالی به دلیل حساسیت بالای تصمیم‌گیری، باید بیشتر احتیاط کرد و هر کس بر اساس توانایی ریسک‌پذیری خود از سیستم دوم، به بهترین نحو استفاده کند.





حال باید ببینیم آیا رفتار گله‌ای منجر به ضرر یا سود می‌شود؟ باید گفت، در بیشتر موارد منجر به ضرر خواهد شد! استفاده از رفتار گله‌ای برای کسب سود بسیار پیچیده است. عموماً افرادی که رفتار گله‌ای را ایجاد می‌کنند، روی بی‌اطلاعی افرادی که به گله وارد می‌شوند و یا به اصطلاح «رمه‌ها» حساب می‌کنند. بنابراین، ممکن است عده کمی سودهای کلان کسب کنند؛ اما، عموم افراد در بلندمدت ضرر خواهند کرد.

در نوع دیگری از کلاهبرداری‌های رایج در بازار کریپتوکارنسی که با عنوان Pump and Dump شناخته می‌شود، از تکنیک رفتار گله‌ای برای فریب دادن سرمایه‌گذاران استفاده می‌کنند.

به این صورت که با استفاده از ابزار عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین تاثیرگذاری احساسی در کامیونیتی، قیمت یک کوین را به صورت مصنوعی افزایش می‌دهند. سپس، بعد از اینکه سرمایه‌گذاران زیادی فریب خورده و شروع به خریدن کردند، سرمایه‌گذار اول شروع به فروختن در قیمت بالا کرده و بعد از چند دقیقه، قیمت سقوط می‌کند و اکثر سرمایه‌گذاران دچار ضرر می‌شوند.

به‌طور معمول برای دوری از رفتار گله‌ای، دو پیشنهاد اساسی می‌شود. اول اینکه، همیشه با مطالعه شخصی و بدون توجه به رفتار جمع‌ها باید ورود به حوزه سرمایه‌گذاری کرد؛ اصطلاح DYOR در بازارهای مالی بسیار رایج است و در مقابله با همین رفتارهای گله‌ای به وجود آمده است. دوم اینکه، هر موقع تصمیم با عجله یا احساس از خود دیدید، در تصمیم خود تأخیر ایجاد کنید. در بازارهای مالی، همیشه فرصت برای کسب سود هست و این نکته باید همیشه مورد توجه قرار بگیرد.



Janbal

کیف پول سیف پال موجود شد

قیمت:

۲/۸۳۰/۰۰۰



www.janbal.io  | [janbal.io](https://www.instagram.com/janbal.io)



یوتیوب (Youtbue) به دنبال ادغام NFT ها با پلتفرم خود است تا روش‌های جدیدی برای سازندگان برای تعامل با طرفداران و ایجاد جریان‌های درآمد اضافی ارائه دهد.

شرکت مدیریت سرمایه‌گذاری BlackRock، قصد دارد سرویس خدمات ترید رمزارزها را به سرمایه‌گذاران خود ارائه دهد.

شرکت خدمات KPMG در کانادا بیتکوین و اتریوم را به ترازنامه خود اضافه می‌کند.

میلر گفت: "بیمه‌نامه‌ها ارزش ذاتی ندارند."

"در واقع، شما می‌خواهید آنها هیچ ارزش ذاتی نداشته باشند. شما نمی‌خواهید خانه‌تان بسوزد، یا دچار حادثه‌ای وحشتناک شوید، اما در صورت وقوع هر سال هزینه بیمه را پرداخت می‌کنید."

میلر همچنین اظهاراتی را که در ماه ژانویه انجام شد، توضیح داد که به این معناست که او نیمی از ثروت شخصی خود را در بیتکوین و سایر رمزارزها سرمایه‌گذاری کرده است. او گفت که تنها چند درصد از دارایی خالص خود را به بیتکوین تبدیل کرده است که با افزایش قیمت، به نصف کل ثروت او تبدیل شد.

او بدون فاش کردن ارقام خاصی افزود: اکنون کمتر از زمان اوج است، زیرا [قیمت بیتکوین] از نوامبر به نصف کاهش یافته است [اما] هنوز یک پوزیشن بسیار بزرگ است.



بیل میلر، سرمایه‌گذار افسانه‌ای، پوزیشن «بسیار بزرگ» خود در بیتکوین را فاش کرده و گفته است که بیتکوین را بیمه‌ای در برابر «فاجعه مالی» احتمالی می‌داند.

رئیس و مدیر ارشد سرمایه‌گذاری Miller Value Partners در مصاحبه‌ای این هفته به CNBC گفت: "بیتکوین مانند یک بیمه‌نامه است." کوین‌های تازه ضرب شده، با قیمت‌های بسیار جذاب معامله می‌شوند.

او گفت: بیتکوین بیمه‌ای در برابر فاجعه مالی است که ما در لبنان، یا در افغانستان، یا بسیاری از کشورهای دیگر که در زمان شیوع بیماری کرونا دیده‌ایم، می‌بینیم.

به گزارش رویترز، ماه گذشته، دولت لبنان طرحی را برای مقابله با بحران مالی طولانی مدت این کشور ارائه کرد و پیش‌بینی کرد ارزش پوند لبنان ۹۳ درصد کاهش یابد. در همین حال، پس از به دست گرفتن کنترل کشور توسط طالبان و سقوط دولت سابق در تابستان گذشته، کمبود نقدینگی باعث تشدید بحران اقتصادی و تورم فزاینده در افغانستان شده است. در سطح جهانی، با پایان یافتن قرنطینه‌های اعمال شده برای مهار همه‌گیری کووید-۱۹ و اقتصادهای در حال غرق شدن از محرک‌های نقدی دوران همه‌گیری کرونا، تورم افزایش یافته است.



ریسک‌های جدی ژئوپلیتیکی در هفته‌های اخیر موارد استفاده واقعی از بیتکوین و رمزارزها را در زمان‌های بسیار ناپایدار نشان می‌دهند.

گرین که انتظار دارد قیمت بیتکوین در سال جاری افزایش یابد، افزود: بیتکوین به طور گسترده به عنوان یک ذخیره ارزشمند ارزش و وسیله مبادله در نظر گرفته می‌شود.

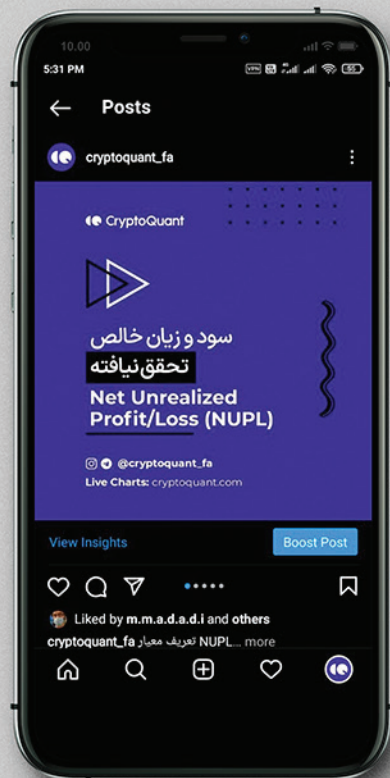
"اما مسائل ژئوپلیتیکی در این هفته ارزش‌های اصلی دیگر آن را آزمایش کرده است که یک سیستم پولی غیرمتمرکز، ضد دستکاری و غیرقابل مصادره است. این موارد استفاده واقعی، پذیرش انبوه بیتکوین را بیشتر افزایش می‌دهد و منجر به قیمت‌های بالاتر در سال جاری می‌شود."

شهرت بیتکوین به عنوان یک دارایی امن و محافظت در برابر تورم طی چند سال گذشته همراه با قیمت بیتکوین افزایش یافته است و برخی انتظار دارند که در نهایت جایگزین طلا شود. در سال ۲۰۲۰، سرمایه‌گذار مشهور پل تودور جونز اعلام کرد که در حال خرید بیتکوین است و از آن به عنوان "سریع‌ترین اسبی که تورم را شکست می‌دهد" نام برد.

نایجل گرین، مدیر اجرایی گروه مشاوره مالی deVere با اشاره به تحقیقاتی که نشان می‌دهد بیتکوین به سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های داوطلب اوکراینی برای تجهیز ارتش اوکراین به تجهیزات نظامی و پزشکی اهدا شده است در حالی که نیروهای روسی در مرزهایش جمع می‌شوند و تصمیم وب‌سایت جمع‌آوری کمک مالی مستقر در ایالات متحده GoFundMe برای حذف کمپین کمک‌های مالی به اعتراض کامیون‌داران کانادایی و بازگشت میلیون‌ها دلار به کمک‌کنندگان گفت:

 **CryptoQuant**

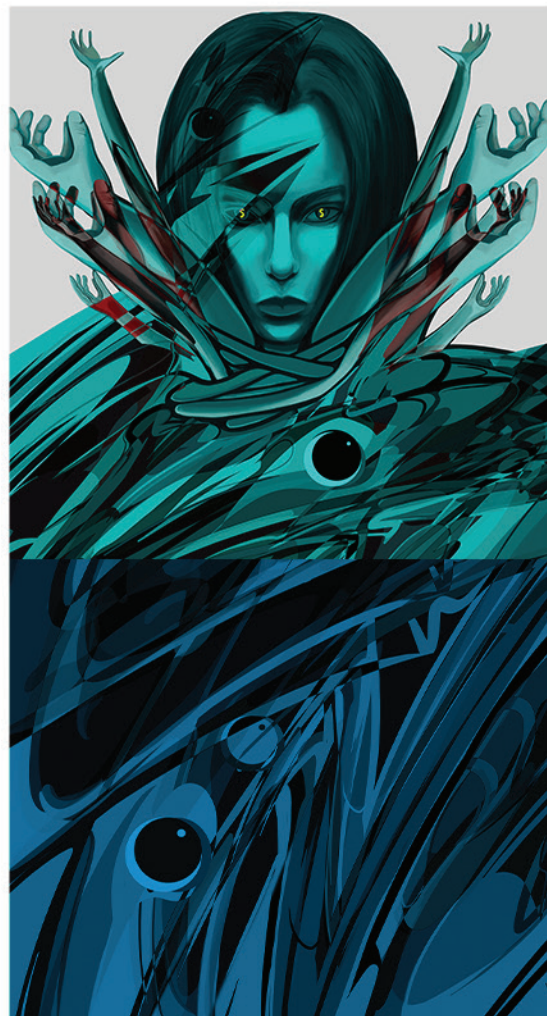
 | [cryptoquant_fa](https://www.instagram.com/cryptoquant_fa)





ترس:

مکانیزم‌های روانی بدن چنان طراحی شده‌اند که فرد در هنگام احساس خطر یا ترس به گزینه خود که شامل فرار و یا دفاع است پناه ببرد و بخش‌های مکانیکی بدن بیشترین توجه را داشته باشند تا بتوانند این مرحله را با تمام توان پیش ببرند و معمولاً بخش‌های دیگر بدن تحت‌الشعاع این فرایند هستند تا تمام شوند؛ لذا انتظار تفکر منطقی و یا تصمیم‌گیری‌های منطقی در این فرایند را نداریم. ساختار بدن نباید این فرایند را به تکرار و یا زمان زیاد تجربه کند چرا که سطح هورمون‌های تولید شده در طی این فرایند باید به نحوی تعدیل شوند یعنی باید به یک پروسه عادی برگردد تا بتواند مجدداً برای موارد بعدی آماده باشد که این خود نیاز به انجام تمرینات خاص و یا گذر زمان مناسب دارد. اما در بازار این فرایند هم از لحاظ زمان و هم از نظر تکرار بسیار تواتر بالایی دارد و لذا فرد پس از مدتی از پا افتاده و ناکارآمد می‌شود. جالب‌تر اینکه در طی این فرایند که معمولاً در هنگام زیان و یا اقدام به شروع معامله بیشتر ایجاد می‌شود. تصمیماتی که فرد می‌گیرد بر اساس استراتژی خود نبوده و بیشتر بر مبنای دفاع در مقابل یا فرار از بازار/زیان است. قاعدتاً چنین روش کاری چون ورای استراتژی تست شده قبلی وی است نه تنها منجر به سوددهی نخواهد شد که برعکس باعث انباشته شدن زیان‌های وی شده و فرد را وارد مرحله بعد می‌کند که حس انتقام از بازار و جبران مافات و اثبات برتری خود به بازار و یا به دیگران است. این مرحله خود یک سیکل معیوب جدید را ایجاد می‌کند که به پیچیده‌تر شدن اوضاع می‌انجامد و این بار بسیار سخت‌تر می‌توان از چنگال این تله خودساخته فرار کرد؟! چرا که حسی از وجود این مشکل در ما وجود نداشته و آن را یک فرایند یا پاسخی طبیعی برای خود فرض می‌کنیم لذا تلاشی هم برای شناسایی مشکلات خود نخواهیم کرد چه اینکه خواهیم برای حل آنها هم اقدام کنیم!



● ●
 دو شاخص روانی مهم در بشر ترس و طمع هستند که یکی برای بقا و دیگری برای پیشرفت وی مهم هستند. ولی در بازار مشکل از آنجایی شروع می‌شود که این دو از حد تعادل خود خارج می‌شوند.

طمع:

زیاده‌خواهی یا طمع ناشی از برآورد ناقص توانایی‌های ما در مقابل انتظارات ما در بازار و قراردادن معیارهای نامتناسب که همان انتظارات نامعقول است به‌عنوان مبنای عمل است. بخش مهمی از این معیارها می‌تواند رویابافی و توهم و یا شنیده‌ها و داده‌های ناقص و یا هیجان انگیز و یا استدلال‌های خوش‌بینانه از وضعیت بازار و قدرت استراتژی معاملاتی و یا نیازهای برآورده نشده ما باشند.

از آنجا که در حالت عادی چنین خیالات و یا تفکرانی در بوته عمل قرار نمی‌گیرند شاید بخش مهمی از افکار و حتی لحظه‌های خوب و بد زندگی ما باشند ولی در هنگام عملی کردن این رؤیایها یا افکار باید توانایی‌های خودمان را نیز هم سنگ همین‌ها کرده و بتوانیم از پس اجرای آنها برآمده و به هدف خود برسیم.

از آنجا که رسیدن به چنین توان ذهنی عملاً سخت و زمان‌بر است و هر کسی از عهده آن بر نمی‌آید و نیز ماندن در همان اوهام خیلی راحت‌تر و جذاب‌تر است ذهن مسیر ساده‌تر را انتخاب کرده و قبل از آن که فرد به آن توانایی دست پیدا کند وی را وادار به انجام کارهایی خارج از توان خود می‌کند که در بازار این امر منجر به انجام معاملاتی با حجم و یا تواتر بالا شده و شخص را به سمت گسترش زیان و اخراج از بازار سوق می‌دهد.

گاهی طمع در هنگام اجرای معاملات حضور مستقیمی ندارد ولی قبلاً در تهیه استراتژی معاملاتی ما نقش مهمی داشته است و فرد نسبت به توانایی‌های تحلیلی و یا مدیریتی خود دچار توهم شده و مبنای خود را همین توهمات قرار می‌دهد و هنگام عمل به آنها اگر چه دقیقاً همان استراتژی را پیاده‌سازی می‌کند ولی در

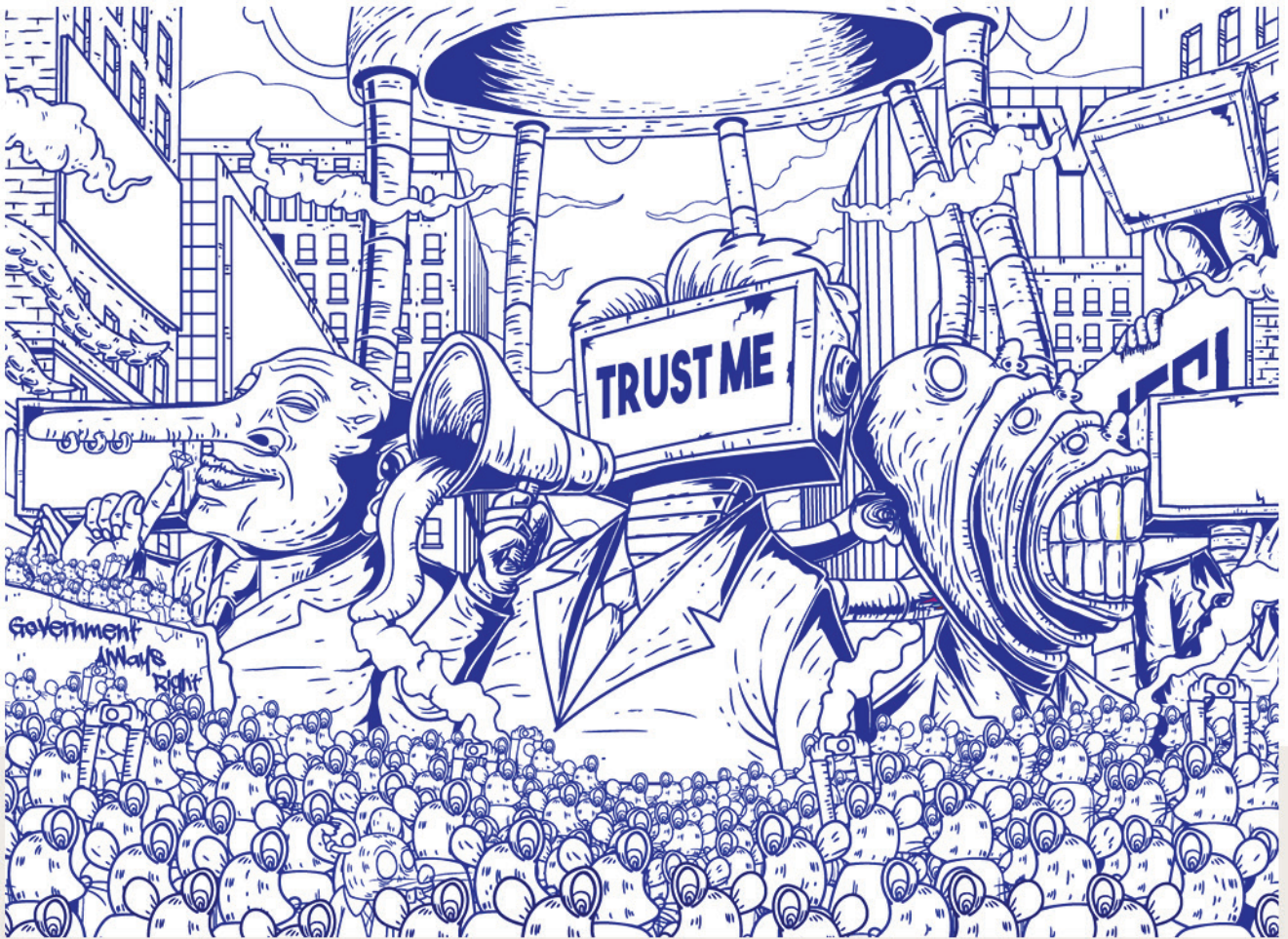
حقیقت نقش غیرمستقیم طمع را اجرا کرده و این خود منجر به زیان وی می‌شود.

نقش مدیریت سرمایه در ترس و طمع

اولین خروجی وجود ترس و یا طمع در یک معامله‌گر عدول از مدیریت سرمایه استاندارد است. چرا که منطق حاکم بر مدیریت سرمایه با نحوه پاسخگویی به ترس و یا طمع فرد همخوانی نداشته و فرد به‌جای مراعات مدیریت سرمایه فرار از قوانین آن را به دلیل راحتی و آسودگی ذهنی اولیه بیشتر ترجیح می‌دهد.

چون ذهن همیشه ساده‌ترین و کوتاه‌ترین راه رسیدن به هدفش را انتخاب می‌کند و چون هدف فرد در این مواقع فرار از وضعیت ترس و یا رسیدن به اهداف متوهمانه ایجاد شده با طمع هست اولین کار عدول از مدیریت سرمایه و ورود به بازار با حجم بالا و یا نقطه ورود/حد زیان /تارگت نامناسب را پیشنهاد داده و عملی می‌کند.





در مرحله بعد خود این عدم مراعات باعث افزایش خطر و ایجاد چرخه ترس و یا طمع جدید می‌شود و تا جایی که فرد کاملاً اخراج شود می‌تواند ادامه داشته باشد. با پیشروی در هر مرحله احتمال خروج از آن نیز سخت‌تر و کمتر می‌شود لذا اصل اساسی مدیریت سرمایه به‌عنوان اولین و مهم‌ترین دژ در مقابل نفوذ این خطر بسیار حائز اهمیت است که متأسفانه توسط کمتر افرادی کاملاً مراعات می‌شود و چنین است که اکثر افراد در بازار در چرخه‌ای از شکست و موفقیت‌های مقطعی دست و پا می‌زنند و نهایتاً باید بازار را کنار گذاشته و با ذهنی خسته و اعتماد به نفسی تخریب شده و البته جیب خالی از بازار اخراج می‌شوند.

وجود ترس و طمع برای بقای شما در بازار الزامی است؟! شاید تعجب کنید که پس از این همه دلیل برای بد بودن این دو چرا وجود آنها الزامی است؟! بدون وجود ترس شما حدود توانایی منطقی خود را در حالات مختلف زیان و یا سود تشخیص نخواهید داد و بقای خود در بازار را با تهور بیش از حد به خطر خواهید انداخت و بدون طمع نیز انگیزه‌های خود برای ادامه فعالیت در بازار را نخواهید داشت. ولی بدانید که نقطه تعادل این دو در سطحی بسیار پایین‌تر از جایی است که هنگام اولین ورود خود به بازار داشتید و به‌صورت پیش‌فرض باید ابتدا در کاهش این سطح اقدام کنید تا به‌مرور و بر اثر تجربه و شناخت بیشتر خود سطح مناسب خود را تشخیص دهید.



شما به عنوان یک معامله‌گر به طور روزمره باید در حال تمرین نظم در رفتار و افکار خود باشید، این نظم می‌تواند از کارها بسیار کوچک مانند محاسبه ساعت کاری یا حتی ساعات خواب شروع شود و هرچقدر این تمرین بیشتر تکرار شود و به ناخودآگاه شما وارد شود شما باید مرحله های بعدی نظم را شروع کنید و این کار را در افکار خود تکرار کنید، بعد از به دست آوردن این نظم و ترتیب در افکار و رفتار خود، ذهن شما درک درست‌تری از سود خواهد داشت و مسیر اختصاصی برای شما به عنوان معامله‌گر شروع به شکل گرفتن می‌کند.

در این مقاله هدف بر این است تا سه قاعده روانی که شکل‌دهنده اساس روحیه یک معامله‌گر هستند را توضیح بدهم. همان‌طور که می‌دانید مثلث قوی‌ترین شکل در طبیعت است و یک تریدر هیچ راهی ندارد به غیر از قوی‌تر شدن مداوم! در بازارهای مالی چرخه قدرت دائما در حال رخ دادن است و همیشه ضعیف‌تر طعمه قوی‌تر می‌شود و این موضوع تنها در وجهه مالی بازار رخ نمی‌دهد چه بسا که سرمایه‌های بسیار بزرگ در حربه ضعف‌های روانی می‌افتند و کنترل احساسات خود را از دست می‌دهند که نتیجه آن از بین رفتن نقدینگی سرمایه‌گذار است.

جریان

در ضلع دوم جریان برقرار است. وقتی ذهن شما منظم شد، تکرار و حفظ این نظم تبدیل به چالش اصلی شما خواهد شد.

نظم

ضلع اول این مثلث و چه بسا قدم اول در این مسیر نظم است، نظم در هر کاری شالوده‌الگوی رفتاری افراد موفق است، حالا

نام این مثلث بقاست

اگر در متن به سه ضلع این مثلث اشاره شد، در نتیجه کنار هم گرفتن این سه ضلع فضای محصور شده حریم امن بقاست.

در صورت ورود شما به بازار سرمایه به عنوان معامله‌گر این بقای شماست که ستودنی خواهد بود، قانون ۹۰ به ما می‌گوید که بیش از ۹۰ درصد از تازه‌واردها در ۹۰ روز اول ۹۰ درصد سرمایه خود را از خواهند داد.

باقی‌ماندن شما در این جمع ده‌درصدی می‌تواند بر مبنای شانس باشد که خب شانس چیز قابل‌محاسبه‌ای نیست، اما می‌تواند با برنامه و چشمان باز باشد، همان‌طور که در شماره‌های قبل اشاره شد حفظ سرمایه یک‌سوی آن بسته به روش‌های تکنیکال شماست، اما اگر ذهن شما به‌مانند یک مرتاض یا راهب آماده پذیرفتن هر اتفاقی نباشد بعد از مدتی بسته به گنجایش آن از هم می‌پاشد، و شما می‌مانید و یک ذهن آشفته بی‌هدف که حتی خارج از بازار هم قدرت تصمیم‌گیری برای آن باقی نمانده است.

هدف ترساندن شما نیست اما بدانید و آگاه باشید که این بازار توانایی از هم پاشیدن روح شما رو دارد، پس مسلح و آماده وارد آن باشید و بقای خود را با هر قدم بیمه کنید، بعد از به دست آوردن بقا، آن را جشن بگیرید و هر روز شکرگزار باشید. "شکر نعمت، نعمت افزون کند"

هنر شما به‌عنوان یک معامله‌گر به جریان انداختن توانایی‌های شماست، و تکرار یک ترکیب برنده است که برای شما سودده خواهد بود، در نتیجه اگر نظم خود را به عنوان یک منبع آب در نظر بگیرید که مرتب در کنار هم قرار گرفته‌اند وقتی که این آب جاری می‌شود، توان آن استخراج شده و چیزی جلودار آن نخواهد بود.

بهبود

در ضلع سوم وظیفه شما قلق‌گیری و اصلاح مشکلاتی است که در دو قدم قبل با آنها مواجه شدید.

به‌صورت طبیعی هیچ مسیری بدون نقص نیست و مشکلات در مسیر شما قرار خواهد گرفت، هرچقدر که سابقه شما بیشتر و در این مسیر ثابت‌قدم‌تر بوده باشید، لیست بلندتری از ضعف‌های خود از کوچک تا بزرگ خواهید داشت، اما اگر از آنها چشم‌پوشی کنید مسیر شما زودتر به بن‌بست خواهد رسید، در نتیجه این تصمیم شماست که این تهدید را به فرصت تبدیل کنید و با بهبود این نواقص به‌مانند یک ورزشکار خود و ذهن خود را برای قدم‌های بزرگ‌تر آماده کنید و در تکرارهای بعدی با برطرف‌کردن نواقص گذشته جا برای نواقص محتمل در آینده باز کنید تا در صورت رخداد آنها، وجود شما به خطر نیفتد.



هشبان

تعمیرات تخصصی هاینر



هیچ پشتیبانی چون
مشاوره نیست!



هشبان تنها مرکز تعمیرات ماینر نیست.

در بخش پشتیبانی هشبان؛ مشاوران متخصصی هستند که به صورت کاملا رایگان شما را جهت خرید بهترین دستگاهها نسبت به شرایط شما راهنمایی می کنند.

◀ جهت دریافت مشاوره رایگان با بخش پشتیبانی هشبان تماس بگیرید.

WWW.HASHBAN.COM

📱 | hashabancom 📞 | ۰۲۱۴۴۰۰۰۶۶۴





هم دام عادت شده و زندگی بسیاری را به کام یکنواختی، بطالت و پوچی کشانده تا تا آن جا که در نگاه شاعر «چرخه‌ی بیهوده‌گی» گشته است.

پر سنگ زدم دوش سبوی کاشی / سرمست بدم چو کردم این اوباشی / با من به زبان حال می‌گفت سبو / من چون تو بدم، تو نیز چون من باشی (خیام)

اما هر عنوانی که به آن دهیم وجودش برای بیشتر انسانها غیرقابل انکار است زیرا که خود را نه مخاطب تکرار بلکه جزئی از آن می‌دانند. (می‌گویم «بیشتر انسانها» زیرا تاریخ شاهد منکران وجود تکرار هم بوده است که به باور هراکلیتوس در یک رودخانه هیچگاه نمی‌توان دوبار شنا کرد)

چرخه‌های تکرار بازار

«آنچه روی داده دوباره روی خواهد داد و آنچه انجام پذیرفته دوباره انجام خواهد پذیرفت، هیچ چیز تازه‌ای در زیر آسمان وجود ندارد» (کتاب جامعه‌ی سلیمان)

بازار چیست؟ بازار نمود احساسات ماست، هر حرکت قیمت ترسیمی از اوج و فرود احساسات معامله‌گران و یا سرمایه‌گذاران بر بوم چارت است. بازار هیچگاه وجودی مستقل از ما و احساسات ما نداشته است، پس همانطور که ما محکوم به «تکرار» هستیم او هم به همین سرنوشت محتوم دچار است.



«اگر روزی یا شبی، جئی به خلوت تنهاییات پای گذارده در گوشت نجوا کند: "زندگی اکنونت و هرآنچه تا کنون از سرگذرانده‌ای را باید نه یک بار بلکه بارها و بارها از نو آغاز کنی و بی‌آنکه چیزی بدان افزوده گردد، همان دردها و رنج‌ها، خوشی‌ها و آه‌ها، و تمام آنچه که بدان اندیشیده‌ای، بی‌ذره‌ای تغییر، بی‌نهایت بار، برایت تکرار شود" آنگاه چه؟!» (نیچه، دانش طربناک)

تار و پود حیات آدمی در هر دو بُعد اندیشه و ماده با تکرار تنیده شده است، از چرخه‌ی تکرار شبانه روز گرفته تا فصول و سالها. تکرار پدیده‌ای است که از آغاز پیدایش گونه‌ی خردمند آدمی همواره با انسان دست به گریبان بوده، پدیده‌ای که گاهی در زبان فیلسوف جامه‌ی «کون و فساد» یا همان «ایجاد و عدم» به تن کرده، و گاهی



گاهی اما این نقیصه ریشه در باورهای ما دارد، باورهایی که شاید خودمان هم از نادرست بودنشان بی‌اطلاع باشیم.

سقراط: دینداری چیست؟ بی‌دینی کدام است؟

اوثوفرون: آنچه خدایان دوست دارند موافق دین است و آنچه دوست ندارند مخالف دین؛

سقراط: آنچه که موافق دین است به آن جهت محبوب خدایان است که موافق دین است یا چون محبوب خدایان است موافق دین شمرده می‌شود؟
اوثوفرون: سؤال را نفهمیدم!

بازار ما را لحظه به لحظه با آنچه که درون‌مان در جریان است - ترس، طمع، اضطراب، توهم، واقع‌بینی و ... رو در رو می‌کند. به همین دلیل ما بازاری را تجربه می‌کنیم که خود برپایه‌ی باورهای مان در درون خویش آفریده‌ایم. نگاه و نگرش ما به بازار و تفسیر ما از علت رفتارهای قیمت، چرخه‌های بازار را برای مان طبیعی یا دردآور می‌کند. در اینجا از میان نمونه‌های بسیار فقط به یک باور و آسیب‌های روانی مرتبط بر آن در چرخه‌های بازار اشاره می‌کنم.

همه‌ی ما از کودکی در فضایی (خانه، مدرسه، محیط کار) کنترل شده همراه با انتخاب‌های «محدود» رشد یافته‌ایم. در نتیجه این باور را پیدا کرده‌ایم که برای پیشگیری از خطاهای رفتاری همواره وجود قوانین «بیرونی» و اعمال محدودیت امری ضروری‌ست. از سوی دیگر چون از کودکی اشتباهات ما در چنین فضایی با تنبیه و توبیخ همراه بوده، ترس از «پذیرش مسئولیت» به دلیل نگرانی از اشتباه و مؤاخذه شدن، در ناخودآگاه ما نهادینه شده است.

در رابطه با سیکل‌ها یا همان چرخه‌های تکرار بازار (از تایم‌فریم‌های چند دقیقه‌ای گرفته تا چند ساله) بسیار گفته و نوشته شده است.

محققین بسیاری مانند ریچارد وایکاف سعی کرده‌اند تا این معما- معمای چرایی این تکرارها- را حل کرده و توضیحی برای آن بیابند. نتیجه‌ی این تلاش‌ها انبوهه‌ای از اندیکاتورها و شاخص‌های وضعیت‌یابی است که این روزها می‌بینیم. ابزارهایی که هر لحظه درصدد تبیین وضعیت چرخه‌ی بازار هستند.

در این مقاله قصد نداریم که به اصل موضوع چرخه‌های بازار بپردازیم، بلکه می‌خواهیم از منظر دیگری به این پدیده توجه کنیم. می‌خواهیم ببینیم چرا این سیکل‌ها که ویژگی طبیعی بازار هستند، به جای داشتن آثار یک چرخه‌ی سالم، آسیب‌های چرخه‌ای معیوب را در ذهن بیشتر ما برجای می‌گذارند.

چرخه‌ی تکرار معیوب

«خدایان سیزیف را محکوم کرده بودند که سنگ بزرگی را تا قلعه‌ی کوهی بغلتاند، اما در قلعه، سنگ دوباره به پایین کوه می‌غلطید و سیزیف، آن قهرمان پوچی، مجبور بود که دوباره این کار را تکرار کند. خدایان دریافته بودند که هیچ کیفی بدتر از تکرار کار بیهوده نیست» (آلبرکامو، افسانه‌ی سیزیف)

چرخه‌ی معیوب چرخه‌ای است که از یک نقص بنیادین رنج می‌برد، نقصی که باعث می‌شود تا برآیند آن چرخه نامطلوب باشد. نمونه‌ی بارز این چرخه همان داستان «تورم/ مهار تورم» است که هرچند سال یک بار زمینه‌ساز رکودها و بحران‌های اقتصادی می‌شود.



«ترس» باعث فلج ذهنی تریدر یا سرمایه‌گذار می‌شود و به او اجازه‌ی عملکرد درست در فرصت‌های مناسب - مثل آغاز روندهای صعودی یا نزولی - را نمی‌دهد.

در این وضعیت ذهنی، شخص مقهور و مغلوب بازار (درحقیقت خودش) گشته و «اضطرابش» روز به روز به دلیل از دست دادن پیاپی فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر و بیشتر می‌شود.

از سوی دیگر وقتی علت شکست خویش را به بازار نسبت دهیم، او را ظالمی انگاشته که حقی از ما ضایع کرده و لذا تلاش می‌کنیم تا حق خود را پس بگیریم.

در مسیر این تلاش مرتکب دو اشتباه دیگر می‌شویم: اولاً سعی می‌کنیم به سلاح بیشتر یا همان یادگیری شیوه‌های جدید تحلیل مجهز شویم (یعنی به جای فهم خویش در پی فهم بازار برمی‌آییم) و ثانیاً هنگام ترید چون در تلاشیم تا حداقل به همان میزانی که از دست داده‌ایم را پس بگیریم، به سادگی از تریدی که وارد سود شده خارج نمی‌شویم و چه بسیارند چنین تریدهایی که درنهایت به ضرر تبدیل می‌شوند.

گاهی بعد از این تلاش‌های ناموفق، از سر ناچاری با تشبیه ترید به قمار (برای توجیه خویش) «رفتاری قمارآمیز» در پیش می‌گیریم، زیرا که هدف فقط انتقام از بازار و غلبه بر آن است. حال آنکه در قمار همه‌چیز - از میزان سود و ضرر تا مدت زمان قمار - از پیش تعیین شده و محدود است، اما در فضای بازار هیچ چیز قطعی نیست.

حال در فضایی قرار گرفته‌ایم که از طرفی انتخاب‌ها «نامحدود» بوده و از طرف دیگر خبری از هیچ نیروی خارجی که مدیریت رفتار ما را برعهده بگیرد نیست. اینجا خودمان هستیم که باید با وضع قوانین و پایبندی به آن‌ها، انتخاب‌ها را محدود و فضای بازار را مدیریت کنیم. اما چنین اتفاقی بندرت رخ می‌دهد. چرا که لازمه‌ی وضع قوانین و پایبندی به آنها «پذیرفتن مسئولیت» در قبال تصمیماتی است که می‌گیریم، حال آنکه بیشتر ما همواره دوست داریم مقصر را درجایی دیگر جستجو کنیم. در چنین فضایی پدیده‌ای که من به آن عنوان «ترید اورجی» می‌دهم ظهور می‌یابد، به این معنا که فرار از «پذیرش مسئولیت» ما را به تقلید از آنچه که دیگران می‌کنند و می‌دارد (رفتار گله‌ای)، یعنی بدون هیچ تحقیق و دانشی، صرفاً به دلیل آنکه دیگری چنین گفته وارد ترید یا سرمایه‌گذاری می‌شویم.

زمانی که در این روند با شکست مواجه شویم، یا دیگری (که او هم احتمالاً از دیگری تقلید کرده، زیرا تریدرهای موفق و حرفه‌ای به سادگی رموز کار خود را با دیگران به اشتراک نمی‌گذارند) را مقصر دانسته و یا آنکه تقصیر را به گردن بازار می‌اندازیم. حال با تکرار این شکست‌ها یا دستخوش «ترس» از بازار شده و یا آن که در چرخه‌ی «انتقام» از بازار گرفتار می‌شویم.

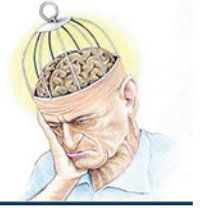




بازار نه آغازی دارد و نه انجامی، یک جریان دائمی است و میزان سود یا ضرر برای کسی که بدون برنامه‌ی مشخص در آن مشارکت کند به هیچ عنوان قابل پیش‌بینی نیست.

بعد از تکرار چرخه‌ی این شکست‌ها، با ترس و خشم در وضعیتی از «ناامیدی» قرار می‌گیریم. وضعیتی که در آن سود مستمر گرفتن از بازار امری دست‌نیافتنی و دشوار تلقی می‌شود. وضعیتی که در آن شنیدن آمار سود دیگران ما را دستخوش «افسردگی» می‌کند. در این روند، ممکن است به جایی برسیم که بازار برای ما فاقد معنا شود (پوچی). بازاری که روز اول بعنوان جایگاهی برای کسب درآمد، موفقیت و اعتماد به نفس بود، حالا از تمام آن معانی تهی شده و شکلی دیگر به خود گرفته است: دشمنی که با بی‌رحمی، هرآن در پی آسیب زدن به ماست. و درنهایت آنچه که اتفاق می‌افتد آن است که با تحمل ضررهای مالی هنگفت و «سرخوردگی» بسیار از بازار خارج می‌شویم.

سیکل‌ها و چرخه‌های بازار درحقیقت بازنمود همین رفتارهای ماست. ترس‌ها، اضطراب‌ها، طمع‌ها و مسئولیت‌نپذیرفتن‌های ما هستند که چرخه‌های بازار را شکل می‌دهند. آنهایی که پذیرفته‌اند بازار یک جریان دائمی رام ناشدنی است که هیچ اهمیتی به سود یا ضرر ما نمی‌دهد، بجای تمرکز بر شناختن بازار سعی در شناخت خویش دارند تا بتوانند از امواج چرخه‌های صعود و نزول بازار بهترین بهره‌ها را بگیرند. آنها می‌دانند که شرط موفقیت «غلبه برخویشتن» است نه جنگ با بازار، لذا بجای پر کردن انبار مهمات اندیکاتورها، اسیلاتورها، خطوط و... سعی می‌کنند که در آرامش و نظم فکری از «یک ابزار» به بهترین شکل بهره بگیرند. در نگاه اینان، کسانی که بجای «شناختن خویش» دائماً در حال تلاش برای یادگیری شیوه‌های جدید تحلیل‌اند (نه به هدف علمی بلکه برای غلبه بر بازار) مانند شکارچی‌ای هستند که به جای یادگرفتن تیراندازی با تفنگ دائماً در حال تمیز کردن و روغن‌کاری آن می‌باشد. چرخه‌های بازار بازنمایی از وضعیات ذهنی ما هستند، آنها موجودیت مستقلی نداشته و نخواهند داشت.



دارند اغلب دچار ترس از دست دادن اطلاعات می‌شوند (به‌ویژه معامله‌گران سهام) آنها معمولاً با فکر به این که ممکن است ماهی بزرگ (Big fish) را از دست بدهند تسخیر می‌شوند، حواسشان پرت می‌شود و دائماً از یک موضوع به یک موضوع دیگر می‌پرند.

۲- پنهان کردن اشتباهات

افرادی که چند وظیفه را همزمان انجام می‌دهند اغلب از پاسخگویی اجتناب می‌کنند و استدلال این است که اگر هم زمان روی ۱۰ مورد تمرکز کنیم پنهان کردن اشتباهات راحت‌تر است.

برای درک بهتر کابوس چندوظیفه‌گی تصور کنید چند خودکار را همزمان به هوا پرتاب می‌کنید و سعی می‌کنید همه آنها را بگیرید، مسلماً نمی‌توانیم. اما تصمیم بگیرید بعد از پرتاب تنها روی گرفتن یک خودکار تمرکز کنید، این تمرکز شانس شما را برای موفقیت افزایش می‌دهد.



همه‌ی ما معتقدیم که تقریباً بالای ۸۰ درصد از فعالین بازارهای مالی به سوددهی نمی‌رسند و یا ضرر می‌کنند. اما این درصد فقط شامل تازه‌واردها و آماتورهاست؟ متأسفانه جواب منفی است. خیلی از حرفه‌ای‌ها نیز به دلایل مختلف متحمل ضررهای سنگینی می‌شوند. یکی از این دلایل می‌تواند چند وظیفه‌گی باشد.

- چند وظیفه‌گی در بازارهای مالی

زمانی که یک معامله‌گر به دلیل جاه‌طلبی زیاد تلاش می‌کند تا هزاران داده را جذب و پردازش کند دقیقاً در همان نقطه ذهنش چنان به هم می‌ریزد که مرتکب یک اشتباه بزرگ می‌شود و متأسفانه این اتفاق بارها و بارها رخ داده است.

- اما چرا این اتفاق می‌افتد؟

۱- ترس از دست دادن

افرادی که برای فیلترکردن اطلاعات مشکل





- راه مقابله با چندوظیفه‌گی

به نظر Dr.Doug hirshhorn زمان تنها کالای یک معامله‌گر است اما وقتی شما در هر زمینه‌ای احساس گرسنگی شدید کنید تصمیمات بر اساس اطلاعات و منطق نبوده و بیشتر بر اساس احساس است.

خودآگاهی (self-awareness) اولین قدم برای تغییر است. یک معامله‌گر باید شخصیت خود را بررسی کند تا بداند نقاط قوتش کجاست همچنین بتواند تفکرش را کندتر کند (power of slow) تا بهترین کاری که می‌تواند انجام دهد را تشخیص داده و تنها روی آن تمرکز کند یا به طور خلاصه

"If you are an expert in oil, don't trade corn"

- Power of slow

به فرصتی اشاره دارد که ما می‌توانیم با کند کردن فرایند تفکر تمرکز خود را بر روی موضوعی خاص (مثل تشخیص نقاط قوت) افزایش دهیم



- ۱- درک
- ۲- فهم
- ۳- تجسم

که در آگاهی موقعیتی عواملی هستند که به صورت مستقیم بر روی آن تاثیر می گذارند. یکی از موارد آن سوگیری های ذهنی است که در این مجله از همین موضوع صحبت خواهیم کرد.

سوگیری ذهنی به چه معناست؟

اگر به زبان ساده بخواهم بگویم، سوگیری ذهنی یعنی "وجود فرایندی که به موجب آن جهت گیری تاییدی برای یک سری باورهای خاص بوجود می آید" یعنی با جانبداری نسبت به یک باور و اتفاق خاص آن را در ذهن خود مورد تایید می دانیم. این سوگیری ها اغلب از احساسات ما نشات می گیرند و برای همین موجب آسیب رساندن می شوند. برای مثال تعصب مردم هر کشور بر تیم ملی فوتبال کشور خودشان. حتی اگر تیم مقابل نیز قوی ترین تیم جهان هم باشد باز امید به برد و ناراحتی از باخت در طرفداران متعصب وجود دارد.

این مورد شامل هفت سوگیری ذهنی است که من به اصطلاح به آنها ۷ گناه کبیره می گویم که با مثال هایی واقعی در بازار می خواهم آن را به شما شرح دهم. با ما همراه باشید.



در این مطلب در مورد یکی از مهم ترین موضوعات روان شناسی بازار با هم صحبت می کنیم که ادامه ی بحث "آگاهی موقعیتی" است که به صورت کامل آن را در پادکست روان شناسی بازار بررسی کرده ایم.

ابتدا مختصراً به چیستی آگاهی موقعیتی بپردازیم و سپس از ۷ گناه کبیره ای که همه به آنها مبتلا هستیم صحبت می کنیم.

آگاهی موقعیتی یا Situational Awareness که به اختصار به آن SA گفته می شود در واقع به ۳ مرحله از آگاه سازی از اتفاقات پیرامون محیط گفته می شود.

بررسی سازگاری محیط با روحیات خود و ایجاد آگاهی از موقعیتی که در آن قرار داریم که شامل سه مرحله اصلی است:



رسیدن به حد ضرر معامله را نمی‌بندیم و به امید بازگشت روند معامله را باز نگه می‌داریم و هرچه این ضرر بیشتر شود تمایل ما به نگه‌داشتن معامله بیشتر می‌شود. با داشتن چنین سوگیری‌ای که گاهی اوقات حتی از دچار به این اثر ناآگاه هستیم و دچار ضررهای جبران‌ناپذیر می‌شویم.

۳- نتیجه گرایی:

یعنی عدم درک کاری که در حال انجام هستیم و صرفاً انجام‌دادن سیستماتیک بدون درک و فهم از کاری است که انجام می‌دهیم.

ریچارد دنیس یکی از بزرگ‌ترین معامله‌گران فارکس در این باره می‌گوید:

"من معتقدم اگر روش خودم را در تمام روزنامه‌های امریکا چاپ کنم باز هم تغییری در روند معاملاتی ۹۹ درصد افراد بوجود نمی‌آید زیرا که افراد فکر نمی‌کنند این روش چرا اینگونه‌ست و صرفاً به نتیجه آن نگاه می‌کنند." چرا که اکثریت افراد به نتیجه نگاه می‌کنند. کوچک‌ترین دقتی بر مسیر و روش رسیدن به مقصد ندارند.

۱- زیان‌گریزی:

در تمامی موارد سوگیری‌های ذهنی، ما با ذهنیت و طرز فکرها سروکار داریم. به‌ویژه این مورد، یعنی "زیان‌گریزی". زیان‌گریزی به طور کلی با ذهنیت ترسو سروکار دارد و این ترس باعث افت اعتمادبه‌نفس شود. به طوری که این ترسیدن ذهن باعث منع شخص از باز کردن یک سری معاملات شود و معامله‌گر نتواند به استراتژی خود اعتماد کند و موقعیت سوددهی را از دست دهد زیرا که ذهنیت و طرز فکر وی پر از ترس بار آمده است. برای مثال چون استراتژی فرد در چند مورد قبلی با ضرر مواجه شده، مورد بعدی حتی به تایید چکلیست استراتژی را باز می‌کند چون ترس به او اجازه نمی‌دهد.

۲- اثر تمایلی:

از نظر من مرسوم‌ترین و مشاهده شده‌ترین سوگیری همین مورد است که به معنای این است که در معامله سودده خیلی زودتر از رسیدن به هدف مشخص معامله را می‌بندیم ولی در معاملات ضررده حتی با



۴- تازه گرایی:

یعنی به جای اکتفا به داده‌ای با قدمت بیشتر در بازار به داده‌ای نوظهور اکتفا کنیم. منطقی نیست داده‌ای که بازار چند هفته به آن پایبند بوده را به داده‌ای که بازار سال‌ها پایبند آن بوده است را ارجحیت دهیم.

۵- سوگیری لنگر انداختن یا تکیه‌گاه

درست کردن: ما با ذهنیتی قبلی به سراغ تحلیل یک ارز یا سهم می‌رویم. برای مثال چون ما از یک ارزی خریدیم این ارز باید رشد کند و در تحلیل آن به دنبال نشانه‌های صعودی می‌گردیم و به آنها اکتفا می‌کنیم و داده‌های نزولی را مورد بررسی قرار نمی‌دهیم حتی اگر بسیار بیشتر از داده‌های صعودی باشند.

این همان تعصبی است که در مورد اول به آن اشاره کردم. همان‌طور که پیش‌تر ذکر کردم عامل اصلی وجود این ۷ گناه احساسات افراد هستند که باعث آسیب مالی/روانی به شخص می‌شوند.

۶- اعتماد به قانون کم:

در این مورد که مجدداً داشتن ذهنیت قبلی به آن قوت می‌بخشد به این موضوع می‌پردازیم که چون ما با ذهنیت قبلی و به دنبال صعود بودن سراغ تحلیل یک سهم می‌رویم و برای مثال بازار را در الگویی می‌بینیم که در ۹۰ درصد مواقع نتیجه نزولی داده است و ۱۰ درصد مواقع گذشته وجود داشته است که این الگو باعث صعود کوچکی شده است. اما ما چون ذهنیت صعودی داریم وقتی بازار در چنین حالتی می‌بینیم به آن ۱۰ درصد مواقع اکتفا می‌کنیم و همان‌طور که می‌دانید بازار متشکل از احتمالات است و این امری اشتباه است که در بلندمدت باعث ضررهای زیادی می‌شود.

۷- اثر گله‌ای:

در آخر نیز اثر گله‌ای که اکثریت با آن آشنایی دارند و از اسمش معنای آن واضح است. یعنی ما صرفاً کاری را انجام می‌دهیم چون تعداد زیادی دارند آن کار را انجام می‌دهند فارغ از اینکه آن کار درست است یا خیر، مفید است یا مضر آن را انجام می‌دهیم چون بقیه انجام می‌دهند بدون هیچ درکی انجام می‌دهیم که مشخصاً همان‌طور که در ابتدا گفتیم عدم شناخت و درک هر موضوعی در بلندمدت باعث ایجاد آسیب‌های مالی/ذهنی/روحي می‌شود.

این ۷ گناهی که مورد بررسی قرار داده‌ایم، مواردی هستند که قبل از شروع معامله و تحلیل باید آنها را رعایت کنیم و بدانیم که موضوعات مهم‌تری از تحلیل وجود دارند که شاید ما از ابتلا به آنها آگاه نباشیم ولی انجام دهیم و با ابتلا به آنها به خود آسیب وارد کنیم.

پس خوب است که با مطالعه در مورد چنین مواردی از بروز خطرهای احتمالی جلوگیری و پیشگیری‌های بیشتری انجام دهیم چرا که این فضای ذهن ماست که ناامن است، نه محیط بازار و با امن کردن محیط و فضای ذهن خودمان است که روند معاملات را بهبود می‌بخشیم.





If You Want To Donate Us



LNURL1DP68GURN8GHJ7MR9VA
JKUEPWD3HXY6T5WVHXXMMD9
AKXUATJD3CZ7CTSDYHHVVF0D3
H82UNV9UUNGWG7TSHAU

BTC
(Lightning)



BNB
(bep20)



USDT
(Trc20)



TOMO



XRP



Dogecoin



TRX





PSYCHO- MONDAY

February 14 / 2022



Shirin Nahali